

# همیشه‌ای فرهنگ شهر



## شب‌ی که ایران گریست

۵ خرده‌روایت درباره انفجار حزب جمهوری و شهادت آیت‌الله بهشتی و یارانش در هفتم تیر ۱۳۶۰

رسانده بود. اکثریت اعضا در دفتر مرکزی حزب در خیابان سرچشمه حضور داشتند تا برای این دو مسئله چاره‌اندیشی کنند، جلسه تازه شروع شده بود که ناگهان سقف به زمین چسبید و دیگر چیزی نفهمیدند. بزرگ‌ترین اقدام ترور یستی بعد از انقلاب اسلامی ایران رقم خورد و آیت‌الله بهشتی و ۷۲تن از یارانشان فقط ۳سال بعد از انقلاب به شهادت رسیدند؛ واقعه‌ای که ۲۴مجمروح

هم داشت؛ کسانی که راویان آن شب سیاه بودند. حاضران دهه ۱۶۰ین حادثه تلخ را با جزئیات به یاد دارند اما نسل‌های بعدی با روایت‌های مختلفی که در کتاب‌های درسی و تاریخ خواندند و شنیدند و فیلم «ترور سرچشمه» محمدحسین مهدویان، از آن بی‌برند. انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی معروف به فاجعه هفتم تیسر، یکی از بزرگ‌ترین و بی‌سابقه‌ترین اقدامات تروریستی بعد از انقلاب

اسلامی ایران است که غرور پس از عزل بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت و یک روز پس از ترور نافرجام آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، امام‌جمعه وقت تهران و یکی از ارکان اصلی حزب جمهوری در مسجدمابودر تهران رخ داد. در زیر خرده‌روایت‌هایی را از یک روزنامه رسمی، یکی تن از جانبازان حادثه و ۲۲تن از شاهدان عینی که عامل این ترور و حشیانه بودند، می‌خوانید.

فهیمة طباطبائی

مدیر فرهنگ شهر

گزارش

موضوع جلسه حزب، «تسورم و انتخابات آینده ریاست‌جمهوری» بود. بنی‌صدر تازه برکنار شده بود و نمی‌شد کشور را بدون رئیس‌جمهور اداره کرد و از طرفی تورم خودش را به سفره مردم انقلابی



اسامی مالاها و گفتوهای مامورین سپاه پاسداران که در این حادثه کشته شدند.

گزارش خبرنگاران از محل انفجار به نقل از شاهدان عینی حاکی است که احتمالاً دو بمب بسیار قوی منفجر شده که صدای انفجار آن تا شعاع حداقل یک کیلومتر به وضوح شنیده شده است. این انفجار هنگامی روی داده است که جلسه هفتگی حزب با حضور اعضای حزب، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و احتمالاً چند تن از وزیران در این محل تشکیل شده بود. گزارش خبرنگاران در ساعت ۲۳ دیشب از مقابل دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران حاکی بوده است که در زمان مخابره خبر، ۲۰ مجروح به وسیله آمبولانس به بیمارستان‌های مختلف تهران از جمله بیمارستان طرفه و سینا انتقال یافتند و از بیمارستان طرفه خبر رسید که تا آن ساعت ۸ شهید که پیکر آنها به کلی متلاشی شده را به این بیمارستان آورده‌اند. یکی از این شهدا آقای طباطبائی، نماینده مجلس بود اما هویت هفت نفر دیگر هنوز مشخص نشده است. خبرنگاران در گزارش خود اضافه کرده‌اند که در فاصله ساعت‌های ۲۳ تا ۲۴ دیشب ۲۴ جسد را از زیر آوار خارج کرده‌اند. (روزنامه‌اطلاعات)

یک ساعت جست‌وجو و ۲۴ پیکر



حدود ۹ و چند دقیقه‌بود که ناگهان دیدیم صدای انفجاری آمد. ما فکر می‌کردیم که بمب در اتاق ما منفجر شده زیرا تمام شیشه‌های اتاق ما خرد شدند و برق هم رفت. از پایین صدای فریاد می‌آمد. از آنجا بیرون آمدم، در راه‌ها همه جا تاریک بود و ما روی قشر ضخیمی از شیشه خرده راه می‌رفتیم. به حیاط رفتیم، ولی تا چند دقیقه هنوز متوجه قضیه نبودیم چون هوا تاریک بود، یک وقت کسی از بین ما گفت: «این سالتی که بود، دیگر نیست.» سقف سالن به زمین متصل و با خاک یکسان شده بود. تازه همه فهمیدند چه اتفاقی افتاده. بیل و کلنگ آوردند، ولی سقف یکپارچه و بتونی، به شکلی کامل فرود آمده بود. جرقه‌هایی را از سرچشمه آوردند که این طاق را بلند کند، ولی جرقه‌یل زورش نرسید، به جای اینکه بتن بلند شود، ته جرقه‌یل بلند شد. بعضی‌ها را در این کندوکاها در آوردند. علت اینکه عده‌ای زنده ماندند این بود که صندلی‌های آنجا صندلی‌های آهنی ارج بود. سقف روی آنها فرود آمده و عده‌ای به واسطه این صندلی‌ها زنده مانده بودند و اگر روی زمین نشسته بودند همه رفته بودند. علی‌اکبر ولایتی(خبرگزاری فارس)

سالتی که بود و دیگر نیست



درست یک روز قبل از انفجار دفتر حزب جمهوری در هفتم تیر سال ۱۳۶۰، مجاهدین خلق دست به ترور نافرجام آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در مسجد ابودر زده بودند که ایشان را مجروح و روانه بیمارستان کرد.ایشان در خاطرات خودشان از زمانی که خبر انفجار دفتر حزب جمهوری وشهادت ۷۲تن را شنیده‌اند گفتند: «ولین بار شایدروز دوم، سوم بود که من دقیقاً یاد نیست، چون در حال عادی نبودم. جراحی که من را معالجه می‌کرد، گفت که دفتر حزب جمهوری منفجر شده و عدای شهید شده‌اند اما اسم مرحوم بهشتی را نریدم.من چون در حال طبیعی نبودم، اقتدر به این حساس نشدم و چیزی نفهمدم و بعد هم یاد رفت.در حدودروز دوازده سیزدهم بود که من اصرار می‌کردم که روزنامه و رادیو به من بدهند که از اخبار مطلع شوم. برادری که با من بودند، پاسداران و نزدیکان مقاومت می‌کردند و نمی‌گذاشتند. یک روز آقای هاشمی‌رفسنجی وحاج‌احمدآقا به عیادت من آمدند. گفتند دفتر مرکزی حزب منفجر شده و عده‌ای مجروح شده‌اند. آقای بهشتی هم مجروح شده است. من بسیار ناراحت شدم. با ایشان سال‌های درازی مانوس بودیم، مرتب همه کارهایمان و تلاش‌هایمان باهم مشترک بود. همین برای من خیلی سخت بود.»(مرکز اسناد انقلاب اسلامی)

۴ ساعت زیر آوار بودم



سرانجام در این میان، مرا هم دیدند و بیرون کشیدند.

(اندیشکده تاریخ معاصر ایران)

روایت تاریخ

برشی از انفجار هفتم تیر ۱۳۶۰

۴۲ سال پیش در غروب هفتم تیر صدای انفجاری در محله سرچشمه شنیده شد و بزرگ‌ترین ترور تاریخ انقلاب اسلامی در حزب جمهوری رخ داد.

به وقت ۲۰:۳۰

در ساعت ۲۰:۳۰ هفتم تیر ۱۳۶۰ جلسه‌ای در سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران برگزار شد.

حوالی ساعت ۲۱:۰۰

به گفته شاهدان عینی، از جمله علی‌اکبر ولایتی و اهالی محل حوالی ساعت ۹ ششب بود که انفجار رخ داد و موج ساختمان‌های اطراف شد.

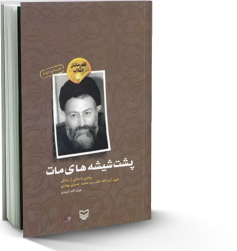
کتاب

علی‌الله سلیمی روزنامه‌نگار

کتابخوانی در تابستان

روزهای داغ و کشدار تابستان را می‌توان با سرگرمی‌های مختلفی سپری کرد تا کمتر حواس‌مان به گرما و تب تابستان باشد. در میان تمام سرگرمی‌ها، کتابخوانی در تابستان را می‌توان به‌عنوان یکی از گزینه‌های مطلوب برای نوجوان‌ها معرفی کرد، چرا که هر کتاب مانند یک درچه جدید در میان کرختی زندگی روزمره عمل می‌کند. شاید بد نباشد که نوجوان‌ها این ۳ عنوان کتاب پیشنهادی را به لیست کتاب‌های مورد علاقه‌شان برای مطالعه در تابستان اضافه کنند.

پشت شیشه‌های مات



کتاب «پشت شیشه‌های مات» نوشته عزت‌الله الوندی، روایت داستانی از زندگی شهید آیت‌الله سیدمحمد حسین بهشتی برای مخاطبان نوجوان است که پانزدهمین کتاب مجموعه «قهرمانان انقلاب» انتشارات سوره مهر محسوب می‌شود. نویسنده در این کتاب، زندگینامه داستانی شهید بهشتی را از دید نوه لیکن، یکی از ۵۳گروگان لانه جاسوسی آمریکا برای نوجوانان روایت کرده است. لیکن در ۴۴۴روز گروگان‌بودنش در ایران با شهید بهشتی ملاقات کرده بود. او خاطرات این دیدار را برای نوه‌اش بیان می‌کند و این نوجوان که تحت‌تأثیر زندگی شهید بهشتی قرار گرفته بود، تحقیقاتی درباره او انجام می‌دهد. این خاطرات دستمایه نوشتن کتاب حاضر شده است. روایت خطی ساده با بازگشت به عقب‌های کوتاه و توانایی خلق چند شخصیت فرعی دیگر به جز شخصیت اصلی داستان نکاتی است که مخاطب نوجوان کتاب را به خواندن آن علاقه‌مند می‌کند. مطالعه این کتاب در ایسن روزهای ابتدای تابستان که هم‌زمان است با ایام سالگرد به شهادت رسیدن آیت‌الله بهشتی و ۷۲تن از یارانش در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی را توصیه می‌کنیم.

بخش‌نده



کتاب «بخش‌نده» نوشته لوئیس لوری با ترجمه کیوان عبیدی آشتیانی اثری داستانی مفرح و سرگرم‌کننده و در عین حال جدی و تأمل‌برانگیز است که جنبه‌های انتقادی نسبت به دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم دارد؛ دنیایی که در حال ساختن آن برای نسل‌های آینده هستیم. ماجراهای این کتاب درباره یوناس پسر ۱۲ساله است که موظف است نزد یک مربی پیر به اسم بخشنده، تعلیمات خاصی ببیند. دنیای یوناس یک دنیای کامل بدون درد و رنج و جنگ و حتی بدون هیچ احساسی است. این اثر نخستین قسمت از یک چهارگانه است که با عنوان‌های در جست‌وجوی آبی‌ها، پیام‌رسان و پسر کامل می‌شود. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «یوناس به‌ندرت خواب می‌دید. به‌همین دلیل در مراسمی که هر روز صبح بین اعضای خانواده برگزار می‌شد و طی آن خواب‌های‌شان را تعریف می‌کردند، کمتر شرکت می‌کرد. بعضی وقت‌ها احساس می‌کرد چیزهایی به‌ظنرش می‌آید. اما وقتی می‌خواست آنها را جمع و جور و تعریف کند خیلی قابل توجه نبود.»

سه بار خوش‌شانسی



«سه‌بار خوش‌شانسی» نوشته شیلا ترنج‌با ترجمه مرجان مهدی‌پسور اثری داستانی با ویژگی‌های معمایی و رازآمیز برای گروه سنی نوجوانان است که از نسوی نشر افق منتشر شده است.

ماجرای کتاب از یک تابستان معمولی در شهر کوچک و خیالی «تولولندینگ» آغاز می‌شود؛ زمانی که «موزز لوبی» دختر ۱۲ساله‌ای که همه او را «مو» صدا می‌زنند، ورود یک کارآگاه را به شهرشان، شروعی برای دردرس و ماجراجویی‌های تازه اعلام می‌کند. ماجرا از آنجا آغاز می‌شود که آقای جسی کشته می‌شود و وقوع یک قتل در شهری کوچک پای خطر، احتیاط، پلیس و کارآگاهان را به آن منطقه باز می‌کند. هر قدر مردم شهر تولولودینگ از این ماجرا وحشت می‌کنند و دل‌شان نمی‌خواهد آرامش‌شان به هم بریزد، اتفاقاً کوچک‌ترها بدشان نمی‌آید با حل کردن این معمای پیچیده تمام تابستان کسالت‌بارشان را سرگرم باشند. کتاب سرانجام حوالی صبح از شهید بهشتی در دسترس نیست نبود، اما

۸صبح فردا

پس از انفجار اطلاعاتی از شهید بهشتی در دسترس نبود، اما سرانجام حوالی صبح هشتم تیر خبر رسید که او هم در میان شهداست.